



وفاق نیاز امروز جامعه ایران

وفاق چه الزاماتی دارد؟

موانع را باید شناخت و همدل شد.

همدلی به معنای حتما نزدیک شدن و پذیرفتن نیست، به معنای اجازه دادن برای تبادل اندیشه‌ها، نیازها و عواطف است. فراهم کردن بستری برای گفت‌وگو است. ایدئولوژی، مذهب و تجربه زیسته اشخاص در همدلی بسیار موثر است. در همدلی باید به جهان زیسته و جهان ادراکی یکدیگر نزدیک شد، آنجایی که به ثبات نرسیده باشیم و در معرض قرار بگیریم، نمی‌توانیم همدلی را تجربه کنیم. به قول یکی از صاحب‌نظران علوم ارتباطات: «برای همدلی گارد ذهنی را برداریم، من درستم تو غلطی نداریم.» همدلی مقدمه وفاق است و وفاق به عنوان یک سرمایه بزرگ می‌تواند به تنظیم‌گری جامعه کمک کند. جامعه نیازمند تغییرات اساسی و پذیرش تنوع در ارزش‌ها و نظرات است تا بتواند به چالش‌های موجود پاسخ دهد. وفاق با موعظه به دست نمی‌آید. هادی خانیکی صاحب‌نظر علوم ارتباطات: «اگر وفاق را موعظه بدانیم باید بیشتر بگوییم، از منظر ارتباطی هرچه بیشتر گفته شود، کمتر شنیده می‌شود. وفاق را تنها نمی‌توان با اخلاق پیش برد و تنها با یکپارچه‌سازی و ایجاد صدای واحد به دست نمی‌آید. وفاق یعنی فهم مشترک، یعنی ما تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسیم، به رسمیت شناختن حقوق دیگران

نیازمند شناخت معرفتی است، ما نیازمند بازخوانی خود از جامعه هستیم. وفاق نباید به یکپارچگی و حذف صداهای ضعیف منجر شود، بلکه باید صدای به حاشیه رانده‌شدگان را نیز در نظر بگیریم. این مهم محدود به گروه‌های کوچک در ساختار قدرت نیست باید به تنوع جامعه ایران نیز توجه کرد. وفاق نباید از بالا به پایین و با اجبار ایجاد شود، بلکه باید براساس گفت‌وگو و تفاهم باشد.

وفاق نیازمند فهم مشترک و گفت‌وگوهای مسئله‌محور است.»

در گفت‌وگو درمی‌یابیم ما چه خواسته‌ای داریم؟ آنها چه خواسته‌ای دارند؟ وفاق حامل چه پیامی است؟ وفاق امید می‌آفریند.

طباطبایی یک کارآفرین: «نسل جدید انتظار دارد امید را ببیند، شرایطی ایجاد کنیم این نسل امید را تجربه کند.»



دکتر پزشکیان در مناظره دوم گفته بود: می‌دانید چرا اینجا هستیم؟ چون باهم دعوا داریم! با این تئوری‌ها هم مشکلی حل نمی‌شود. بعد از انتخابات، رئیس‌جمهور (دولت وفاق ملی) را تشکیل داد و برای این مهم، بهره‌گیری از ظرفیت افراد توانمند در همه گروه‌ها را به عنوان یک راهبرد مطرح کرد.

با این نگاه اقتصاددانان از یک سو و جامعه‌شناسان از سوی دیگر گرد هم آمدند تا وحدت و وفاق ملی را بیشتر به اشتراک بگذارند و اجرایی کنند. تقی آزاد برمکی معتقد است: جامعه ما از مفهوم «مردمی که یک نیاز دارند عبور کرده است» و ما با یک جامعه متکثر مواجهیم. جامعه متکثر ایران دارای تنوع فرهنگی، اجتماعی، زبانی، قومی، مذهبی نسلی است، جامعه متکثری که در آن گروه‌های گوناگون شکل گرفته‌اند.

جامعه صنعت کفش ایران با دیروز خود متفاوت است، کنشگری را تجربه می‌کند، آگاه‌جو، انتخابگر و متکثر است. جامعه صنعت کفش ایران تلاشگر است به دنبال راهکار متکی بر دستاوردهای خویش است نه دولت، جامعه‌ای است با تغییرات نسلی، با جوانانی که به عرصه آمده تحصیلکرده و مرتبط با جهان برون‌مرز که میل به تنوع، خود اظهاری و بیان دارد و در کنار پیشکسوتان این صنعت کار را پیش می‌برد. این تغییرات افق‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های جدیدی را گشوده است. امروز شناخت تجربیات تاریخی جامعه، مختصات عصر و زمان خود را می‌طلبد، هر جامعه‌ای به طول عمری که سپری کرده کامیابی‌ها و ناکامی‌ها، شکست و دستاوردها، رویاها و حسرت‌ها، شادی‌ها و به سوگ نشستن‌ها، شجاعت‌ها و ترس‌ها و... تعریف می‌شود، این همه آن چیزی است که از جهان فهم کرده و این تجربیات است که منجر به تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری می‌شود. به طور طبیعی، شناخت برای کنش در چنین جامعه‌ای ضروری است. درحالی‌که عدم شناخت، تعارض و قضاوت را به همراه می‌آورد. (هرکسی از ظن خود شد یار من)